

تکته



خطر افزایش وزن کودکان در دوران همه گیری

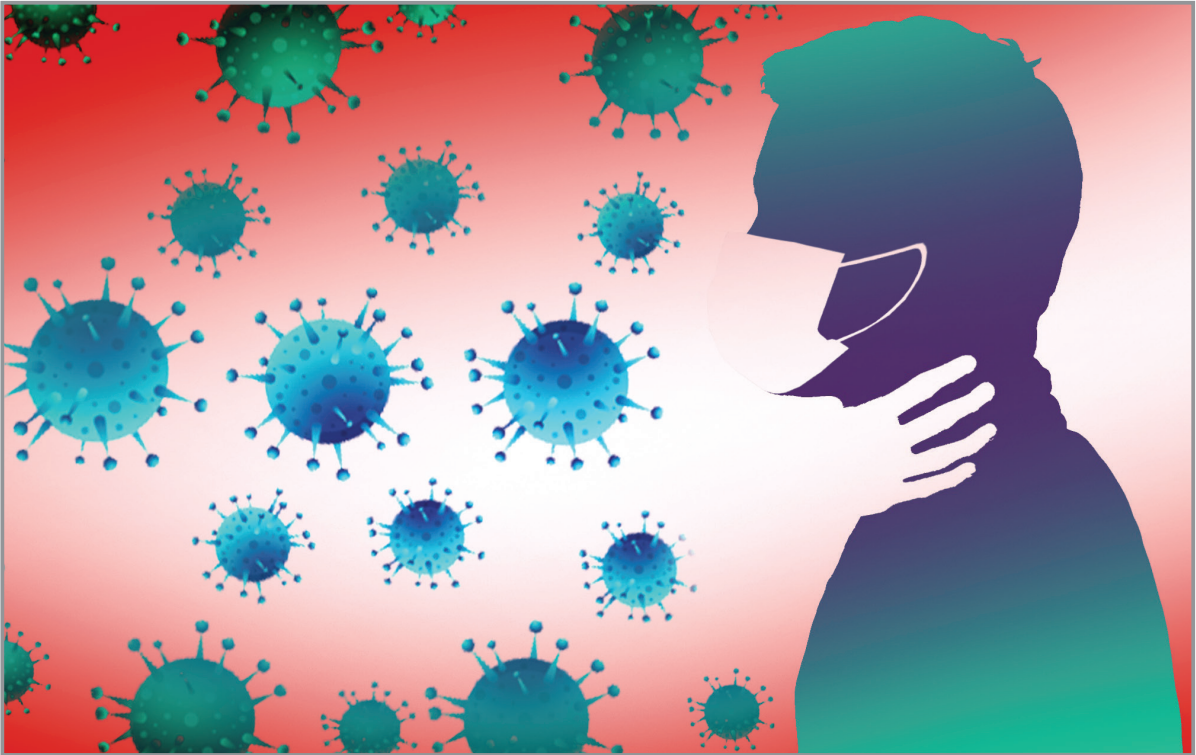
مطالعات اخیر نشان می دهد که افزایش وزن ناشی از همه گیری کرونا برای کودکان مشکل ساز شده است و این موضوع می تواند به دلیل افزایش مصرف فست فود و غذاهای فرآوری شده باشد. مطالعات حاکی از این است که عادات غذایی ناسالم و بی تحرکی ممکن است بر کودکان در طول همه گیری کرونا تأثیر منفی گذاشته باشد. مطالعات نشان می دهد که کودکان در دوران همه گیری فعالیت کمتری دارند، میان وعده های بیشتری مصرف می کنند و بیشتر وقت خود را در حال کار با کامپیوتر، تبلت و تلفن همراه هستند. شرکت کنندگان در این مطالعه به مدت شش هفته در طول بهار و تابستان بین سال های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ میلادی از طریق گزارش های مربوط به غذا، خواب، مدت زمان کار کردن با وسایل الکترونیک و نیز داده های ورزشی، مورد بررسی قرار گرفتند. متخصصان دریافتند که کودکان شرکت کننده در این تحقیق «افزایش وزن سریع در ماه های تابستان» را تجربه کردند و این روند در حالی که کودکان در دوران همه گیری، آموزش های مجازی را تجربه کردند و در خانه ماندند، ادامه یافت. در حالی که آمارهای جمع آوری شده دربار افزایش وزن کودکان مطمئناً نگران کننده هستند، متخصصان تغذیه و سلامت می گویند راهکارهایی وجود دارد که والدین می توانند به فرزندانشان خود در ایجاد عادات غذایی و سبک زندگی سالم کمک کنند. آنان می گویند: «شرکت دادن کودکان در کارهای کوچک و ساده آشپزی مانند تهیه یک وعده غذایی سالم و ترغیب آنها به انتخاب مواد غذایی سالم مانند میوه ها و سبزیجات، آنها را با این خوردنی ها آشنا تر کرده و از جمله اقداماتی است که می تواند به افزایش تحرک کودکان و کاهش وزن آنها کمک کند.»

در عین حال متخصصان بر این باورند که کودکان تحت تأثیر محیط والدین خود هستند و عادات غذایی والدین و اطرافیان می تواند بر داشتن عادات غذایی سالم یا ناسالم در کودکان تأثیر گذار باشد.

ترباک کرونا...

ادامه از صفحه ۱۱

پزشکان متخصص معتقدند عوارض طولانی مدت مصرف ترباک هم بسیار خطرناک است و فرد مصرف کننده را دچار بیماری ها و دردهای مزمنی می کند که ممکن است درمان آن بسیار سخت باشد. مصرف مزمن ترباک باعث بروز مشکلات جسمی مزمنی مانند تغییرات هورمونی، شکنندگی استخوان ها و مشکلات روده می شود. همچنین سوء مصرف مرتب ترباک خطر ابتلا به سندرم روده ناشی از مصرف مواد مخدر را افزایش می دهد که با دل درد مداوم همراه است. مصرف روزانه ترباک عضلات روده را تبیل می کند و اجازه نمی دهد مانند همیشه عملکرد طبیعی داشته باشند، به همین دلیل مصرف کننده دچار بیبوست شدید می شود. مصرف ترباک در بلندمدت باعث خشک شدن غشاهای مخاطی، خشکی دهان و مجاری مقعدی نیز می شود. از عوارض روانی ناشی از سوء مصرف ترباک نیز نمی توان به راحتی عبور کرد؛ چون این عوارض به اندازه مشکلات جسمی ممکن است خطرناک باشد. مصرف طولانی مدت ترباک با اضطراب، افسردگی و اختلال دوقطبی نیز ارتباط نزدیکی دارد.



بررسی «آتی‌نو» از تأثیر کرونا در بروز رفتارهای خشونت آمیز کرونا خشم جامعه را تشدید کرد

گزارش

طی سال های اخیر بارها هشدار داده شده که ایرانی ها در زمره نگران ترین، خشمگین ترین و مضطرب ترین مردم جهان قرار گرفته اند؛ تحقیقاتی غربی که بعضاً در صحت آن تردید وجود داشته است، اما در این میان، شرایط همه گیری سبب شد تا خشونت، راهی جدید به درون خانواده ها بیاید؛ عواملی حاشیه ای مانند شرایط قرنطینه، حضور کودکان در منزل، بیکاری به دلیل شرایط کرونایی و مانند آن که بارها پیش از این مورد بررسی قرار داده ایم. در این شماره نیز به سراغ «بررسی تأثیر کرونا بر بروز رفتارهای خشونت آمیز» از منظر حقوقی و اجتماعی رفته ایم.

افزایش نزاع در سطح خانواده ها و کشیده شدن آن به سطح جامعه، مهمترین مضل اجتماعی این روزهای کشور قلمداد می شود؛ موضوعی مهم که موجب نگرانی عمیق جامعه شناسان و رفتارشناسان اجتماعی شده است. آمار خشونت در کشور بیشتر از تمام سال های گذشته اوج گرفته و در میان اخبار رسانه ها، کلکسیون از خبرهای خشونت و قتل و خودکشی منتشر شده است. قتل فرزند توسط پدر، قتل زن توسط شوهر، قتل پدر و مادر توسط فرزند، قتل زن توسط نامزد و عاشق، قتل شوهر توسط زن، ضرب و شتم زن توسط شوهر، ضرب و شتم کودک و نوزاد توسط پدر یا ناپدری، ضرب و شتم و قتل کودک توسط مادر یا نامادری و بسیاری از حوادث مشابه دیگر از جمله خودکشی های سریالی و آتش سوزی های عمدی گوشه و کنار کشور تیتراهای یک روزنامه ها و خبرگزاری ها در هفته های گذشته بوده است.

کرونا تنها علت سرخوردگی اجتماعی نیست

«سیمین کاظمی» پزشک جامعه شناس در گفت و گو با «آتی‌نو» در پاسخ به تبیین جامعه شناختی علل کاهش آستانه تحمل و تحریک پذیری جامعه بر اثر کرونا گفت: «همه گیری کرونا بسیار بیش از آنچه در تصور جامعه بود، به درازا کشید و هنوز هم چشم انداز آن تاریک و مبهم است. در واقع این مصیبتی که وارد شده انقدر طول کشیده که جامعه رفته رفته به آن خو گرفته است. وقتی کنترل همه گیری غیر ممکن به نظر می رسد و جامعه از حل این بحران ناامید است، لاجرم آن را به عنوان مسأله اجتماعی که حل

آن نیاز به عزم جمعی دارد، نادیده می گیرد و سعی می کند به طور فردی به مقابله بپردازد. یعنی فرد حساب خودش را از جامعه جدا می کند و سعی می کند خودش موضوع یا مشکل را برای خودش حل کند. کاظمی ادامه داد: «افراد از طبقات و گروه های مختلف اجتماعی برای ادامه حیات و از سرگیری فعالیت های شان نوع مواجهه فردی شان با همه گیری متفاوت است و درک و جهت گیری واحدی نسبت به اقدامات پیشگیریانه ندارند. برخی ممکن است از اساس همه گیری را انکار کنند و به فعالیت های عادی برگردند و صدمات ناشی از همه گیری را به نحوی دیگر تفسیر کنند. برخی ممکن است با دسترسی به واکنس، تست و درمان، آسیب های همه گیری را برای خود به حداقل برسانند. بعضی هم ممکن است با اشراف به وضعیت بیماری، میزان ریسک پذیری شان را بیشتر کنند و آسیب هم ببینند.» این دکترای جامعه شناسی در پاسخ به این پرسش که «برخی می گویند که کرونا منجر به سرخوردگی اجتماعی شده است، چه زمانی سرخوردگی اجتماعی بروز پیدا می کند و آیا کرونای می تواند به این مسأله دامن بزند؟»، تصریح کرد: «سرخوردگی اجتماعی فقط به علت کرونا نیست و مسائل اجتماعی مختلف در پدید آمدن آن دخیل هستند. مشخصاً به درازا کشیدن همه گیری و ناتوانی در کنترل آن یکی از علل سرخوردگی در جامعه است. اکنون جامعه با این واقعیت مواجه است که با مشکلات فعلی، همه گیری کنترل نمی شود و تمام بار مقابله با بیماری با خود افراد است. این احساس تنها بودن در مقابله با یک بحران، منجر به سرخوردگی و ناامیدی می شود.» این پزشک افزود: «مثلاً وقتی گفته می شود سویه دلنای

کرونا واگیرداری برق آساز دارد، اما همزمان امکان پیشگیری از آن فراهم نمی شود و به پرسش «چه باید کرد؟» پاسخ در خور داده نمی شود، جامعه دچار احساس ناتوانی و ناامیدی و شکست مطلق می شود. اکنون اکثریت جامعه به این نتیجه رسیده که با وضعیت فعلی در برابر کرونا، کاری نمی توان از پیش برد و جز ناظر خاموش بودن چاره ای مقابل خود نمی بینند.» این جامعه شناس کاهش حس همبستگی و احساس مسئولیت در قبال جامعه را از تبعات سرخوردگی اجتماعی خواند و افزود: «در چنین شرایطی شخص به شغل شان را از دست داده اند و منبع درآمد آنها از بین رفته است. در چنین شرایطی که خانواده از بُعد مالی و اقتصادی دچار بحران شده طبیعی است در نبود مهارت های خود کنترلی به رفتارهای خشونت آمیز دست بزنند، به عبارتی، شرایط روحی و جسمی نامناسب، احتمال بروز رفتارهای خشونت آمیز را در خانواده و جامعه چندبرابر کرده است.» این وکیل دادگستری ضعف فرهنگ در جامعه را مهمترین عامل بروز خشونت خواند و تصریح کرد: «رسانه ها و مهمتر از همه صداوسیما، باید در این زمینه کار می کرد که نکرد. باید واکاوی و بررسی دقیق در خصوص علل کم حوصله یا بی حوصله شدن جوانان انجام شود؟ چرا جوانان امروز صبور نیستند و زود از کوره در می روند و یا می خواهند ره صد ساله را یک شبه طی کنند که وقتی این خواسته تأمین نمی شود با کوچکترین اختلافی خصوصاً در بین زوجین منجر به بروز رفتارهای خشونت آمیز می شود.» دهقانی سانجج اضافه کرد: «جامعه امروز ما افسرده است و این جامعه نیازمند شادی و هیجان است؛ موضوعی که کاملاً به دست فراموشی سپرده شده است. جوانان ما محروم از شادی هستند و این مسأله مجال تخلیه انرژی، هیجانات و احساسات را از آنها سلب کرده است.» این مدرس حقوق جزا بیان کرد: «افسردگی و نبود شادی، متأسفانه به رواج رفتار عاری از عفت کلام در جامعه منجر شده است. مردم به راحتی به هم توهین می کنند، سریع از کوره در می روند و الفاظ زشت و نامناسب به کار می برند و... همه اینها می تواند مصداق توهین باشد. اگر منجر به درگیری فیزیکی نیز نشود، مجازات و دبه بر آن مترتب می شود.» وی بر واکاوی دقیق علل افزایش بروز خشونت در کشور تأکید کرد و افزود: «خشونت اینکه خشونت معمولاً به رفتارهایی گفته می شود که یک فرد با ارتکاب آن رفتار مخاطب خود را دچار آزار و اذیت روحی یا جسمی می کند. اگر این آزار و اذیت فقط به صورت روانی بدون ایجاد ضرب و شتم و درگیری باشد خشونت گفتاری یا کلامی است.» دهقانی سانجج

تشدید بروز خشونت با تداوم شیوع کرونا

محمدرضا دهقانی سانجج، مدرس حقوق جزا و جرم شناسی در گفت و گو با «آتی‌نو» با تأکید بر اینکه جامعه عاری از جرم و خشونت وجود ندارد، گفت: «جامعه بی خشونت وجود ندارد و به نظر می رسد در جوامع مختلف آمار و میزان خشونت جرائم متفاوت باشد.» این وکیل پایه یک دادگستری افزود: «تکته دیگر اینکه خشونت معمولاً به رفتارهایی گفته می شود که یک فرد با ارتکاب آن رفتار مخاطب خود را دچار آزار و اذیت روحی یا جسمی می کند. اگر این آزار و اذیت فقط به صورت روانی بدون ایجاد ضرب و شتم و درگیری باشد خشونت گفتاری یا کلامی است.» دهقانی سانجج

تأکید کرد: «متأسفانه این نوع از خشونت در کشور در حال افزایش است؛ خشونتی که در جوامع پیشرفته کمتر رخ می دهد. در آن کشورها، دوفرد عاقل بعد از برخورد و تصادف خودروهای شان، پیاده و با هم گلاویز نمی شوند، در صورتی که ما در سطح کشورمان به تکرار شاهد این صحنه های خشونت آمیز و ادای کلمات رکیک و فحاشی در حین وقوع تصادفات رانندگی و... هستیم.» این مدرس دانشگاه افزود: «کرونا بسیاری از خانواده ها را به لحاظ شرایط اقتصادی در تنگی غیرقابل وصفی قرار داده است. بسیاری از افراد شغل شان را از دست داده اند و منبع درآمد آنها از بین رفته است. در چنین شرایطی که خانواده از بُعد مالی و اقتصادی دچار بحران شده طبیعی است در نبود مهارت های خود کنترلی به رفتارهای خشونت آمیز دست بزنند، به عبارتی، شرایط روحی و جسمی نامناسب، احتمال بروز رفتارهای خشونت آمیز را در خانواده و جامعه چندبرابر کرده است.» این وکیل دادگستری ضعف فرهنگ در جامعه را مهمترین عامل بروز خشونت خواند و تصریح کرد: «رسانه ها و مهمتر از همه صداوسیما، باید در این زمینه کار می کرد که نکرد. باید واکاوی و بررسی دقیق در خصوص علل کم حوصله یا بی حوصله شدن جوانان انجام شود؟ چرا جوانان امروز صبور نیستند و زود از کوره در می روند و یا می خواهند ره صد ساله را یک شبه طی کنند که وقتی این خواسته تأمین نمی شود با کوچکترین اختلافی خصوصاً در بین زوجین منجر به بروز رفتارهای خشونت آمیز می می شود.» دهقانی سانجج اضافه کرد: «جامعه امروز ما افسرده است و این جامعه نیازمند شادی و هیجان است؛ موضوعی که کاملاً به دست فراموشی سپرده شده است. جوانان ما محروم از شادی هستند و این مسأله مجال تخلیه انرژی، هیجانات و احساسات را از آنها سلب کرده است.» این مدرس حقوق جزا بیان کرد: «افسردگی و نبود شادی، متأسفانه به رواج رفتار عاری از عفت کلام در جامعه منجر شده است. مردم به راحتی به هم توهین می کنند، سریع از کوره در می روند و الفاظ زشت و نامناسب به کار می برند و... همه اینها می تواند مصداق توهین باشد. اگر منجر به درگیری فیزیکی نیز نشود، مجازات و دبه بر آن مترتب می شود.» وی بر واکاوی دقیق علل افزایش بروز خشونت در کشور تأکید کرد و افزود: «خشونت اینکه خشونت معمولاً به رفتارهایی گفته می شود که یک فرد با ارتکاب آن رفتار مخاطب خود را دچار آزار و اذیت روحی یا جسمی می کند. اگر این آزار و اذیت فقط به صورت روانی بدون ایجاد ضرب و شتم و درگیری باشد خشونت گفتاری یا کلامی است.» دهقانی سانجج

مدیر کل توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی کشور مطرح کرد

اشتغالزایی زنان سرپرست خانوار با تغییر نگاه جامعه

گزارش

مدیر کل توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی کشور در خصوص موانع اشتغال و کارآفرینی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش گفت: «بزرگترین مانع در این زمینه، به عدم تربیت دختران برای اداره مالی یک خانواده (در شرایط اضطراری) بازمی گردد.» فاطمه عباسی در گفت و گو با «آتی‌انلاین» اظهار کرد: «بسیاری از عوامل به صورت مستقیم و غیرمستقیم موانعی در مسیر و فرایند اشتغالزایی در سطح کلان ایجاد می کنند و تأثیرگذاری هر عامل نیز در گروه های مختلف سنی، جنسی، دانشی و... بر حسب شرایط، کم یا زیاد می شود؛ بنابراین با توجه به تخصصی بودن این مسأله اقتصاددانان می توانند این موضوع را واکاوی و بررسی کنند.» وی ادامه داد: «در رابطه با موضوع اشتغال زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی می توان گفت که موانع کارآفرینی و اشتغالزایی آنها در چند دسته کلی قابل طبقه بندی است. برخی از این موانع به خود زنان و برخی دیگر به جامعه و

بازار کار مربوط می شود.»

مدیر کل توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی کشور افزود: «تعداد زیادی از زنان اگر به هر دلیل، همسر خود را از دست دهند یا اینکه سرپرست مرد (به هر دلیل)، امکان تأمین مالی خانواده را از دست بدهد (مثلاً از کار افتاده شود و بیمه نیز نباشد)، شرایطی مشابه زنان سرپرست خانوار پیدا می کنند. پس باید گفت که یکسری از موانع به نوع نگرش و نگاه ما به دختران و عدم تربیت آن ها برای اداره مالی یک خانواده (در شرایط اضطراری) بازمی گردد که اتفاقاً مانع بزرگی هم به شمار می آید.» عباسی گفت: «دسته دیگر موانع به جامعه برمی گردد. سازمان ها و دستگاه های حمایتی که باید بعد از بروز مشکل، این زنان را تحت پوشش خدمات خود قرار دهند، امکانات محدودی را در این رابطه در اختیار دارند.»

وی تصریح کرد: «در جامعه ای که ایجاد اشتغال برای افراد عادی و دارای تخصص و تحصیلات دانشگاهی به یک معضل تبدیل شده، ایجاد شغل برای یک زن سرپرست

خانوار تحت پوشش دستگاه حمایتی که در سطح پایین تری از دانش و مهارت و منابع مالی به سر می برد مسلماً بسیار سخت تر و دشوار تر است. همه این موارد در حالی است که سازمان های حمایتی که بیشتر وظیفه و تخصص مرتبط با حمایت را در اختیار دارند، در این راه تنها هستند و سایر دستگاه ها و سازمان های مرتبط با اشتغال از قبیل وزارت اقتصاد، وزارت صنعت، معدن و تجارت و... نیز وظیفه ای برای خود در این رابطه نمی بینند.»

وی در پاسخ به لازمه اشتغالزایی برای زنان به ویژه زنان سرپرست خانوار گفت: «پرورش دختران توانمند از خانواده و مدرسه شروع می شود؛ پس باید یکسری برنامه ها برای گروه های مختلف سنی طراحی کرد تا با مقتدرسازی آن ها (با صرف هزینه های کمتر)، از به وجود آمدن مشکل در سنین بالاتر، جلوگیری کرد.» عباسی بیان کرد: «با توجه به اینکه مشکل اشتغال زنان ریشه در مسائل کلان دارد؛ بنابراین برای رفع آن ها باید برنامه ها و اقدامات متفاوتی را طراحی و به اجرا درآورد.» مدیر کل توانمندسازی خانواده

و زنان سازمان بهزیستی کشور اضافه کرد: «تغییر نگاه عموم جامعه به زنان سرپرست خانوار و حمایت از اشتغال و توانمندسازی آن ها یکی دیگر از لازمه های ایجاد اشتغال برای این زنان است. اگر قوانینی برای الزام کردن کارفرمایان به اولویت قراردادن به کارگیری زنان سرپرست خانوار در مشاغل مختلف وجود داشته باشد، می توان به بهبود شرایط آن ها، کمک شایان توجه داشت.» وی افزود: «مشارکت کلیه دستگاه ها، سازمان ها و... در فرایند اشتغال زنان سرپرست خانوار یکی دیگر از لازمه های این موضوع است. در حال حاضر، دستگاه ها، فقط سازمان حمایتی را مسئول این موضوع می دانند و مسئولیتی برای خود در این رابطه متصور نیستند. باید تمامی ظرفیت ها به میدان آورده شود و با تقسیم کار مناسب، این موضوع را به سرانجام رساند. تمام مردم نیز می توانند در این زمینه نقش حمایتی داشته باشند و از هر طریق ممکن، مثلاً در اولویت قرار دادن خرید محصولات تولیدی این زنان، به اشتغال این زنان کمک کنند.»